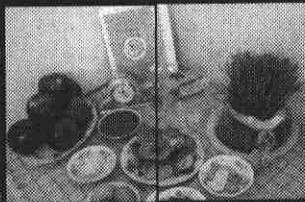


معلمها و اجتماع

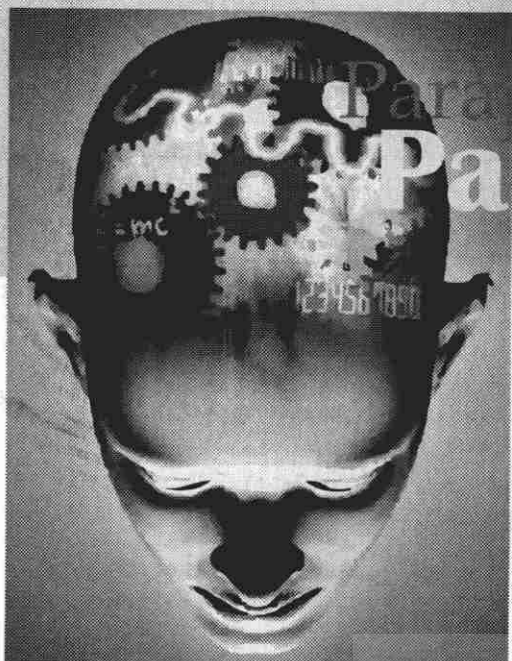


روان شناسان ممکن است به چند دلیل شکاک تر از دیگران باشند. نخست آن که آنان بیش از دیگران به ادعاهای خارق العاده در زمینه های روان شناسی مواجه شده اند که بعدها معلوم شده بر شیوه های آزمایشی مخدوش استنباط های غلط، یا حتا بر فریب و نیرنگ مبتنی بوده اند. در تاریخ پژوهش های فرا روان شناسی، متأسفانه به ادعاهای نسبتاً زیادی بر می خوریم که بعدها ثابت شده ریشه در داده های جعلی داشته اند. کسانی که پیشرفت های این رشته را دنبال می کنند غالباً با شارلاتان های بسیار - که برخی از آن ها بسیار زیرک هم بوده اند - روبه رو شده اند و به همین دلیل حق دارند درباره ی ادعاهای تازه شک کنند

شکنجه در پیش چشم مردمان برای نمایاندن قدرت پادشاه به مردم بود که به ۲ هدف انجام می گرفت: ۱- مشاهده ی این که هیچ تخلفی بی مجازات نمی ماند ۲- برانگیختن و تشویق جمعیت به مشارکت در آزار مجرم.

راز « نوروز » تنها در دمیدن معنا و آفریدن هویت ملی نیست. « نوروز » آیینی است که با پیش نیازها ، فرآیندها ، سیمایه ها و درون مایه های « شناختی » و « رفتاری » خود آلوده گی ، زشتی ، پلیدی ، کینه توزی ، دشمنی ، دوری ، افسرده گی ، سرخورده گی ، سرگردانی ، تنش ، اضطراب و مانند آن را در گستره ای پهناور و اندازه ای ژرف برای هفته ها می زداید و در عمل به سازگاری و رشد و تکامل ویژه گی ها و زیر ساخت های « منش » ، « انگیزش » و « جان و روح » ما ایرانیان برخوردار و پذیرای آن می انجامد و روزی « نو » را برای مان به ارمغان می آورد.

«در زندگی شما هیچ کمبودی وجود ندارد، چه گونه در یک جهان کامل و بدون عیب و نقص کمبود وجود داشته باشد؟»
«تندرستی و بیماری نیز مانند هر چیز دیگر زاینده گرایش های ذهنی ما است.»



فرا روان شناسی^(۱)

مصطفی علی زاده

به بیانی دیگر، آن را روان شناسی علم نما، نامیده اند. ظاهراً این روان شناسی به بررسی پدیده هایی مانند «اندیشه خوانی» (۲) (انتقال فکر از شخصی به شخص دیگر بدون وساطت هر نوع وسیله ی ارتباط حسی شناخته شده، شناسایی کارت بازی معینی که کس دیگری فقط به آن فکر کرده)، «غیب بینی» (۳) و «پیش گوئی» (۴) می پردازند.

نویسنده گان دانش مند زمینه ی روان شناسی هیلگارد، بسیار مؤدبانه و کارشناسانه درباره روان شناسان فرا روان شناسی نظر می دهند: «روان شناسان ممکن است به چند دلیل شکاک تر از دیگران باشند. نخست آن که آنان بیش از دیگران به ادعاهای خارق العاده در زمینه های روان شناسی مواجه شده اند که بعدها معلوم شده بر شیوه های آزمایشی مخدوش استنباط های غلط، یا حتا بر فریب و نیرنگ مبتنی بوده اند. در تاریخ پژوهش های فرا روان شناسی، متأسفانه به ادعاهای نسبتاً زیادی بر می خوریم که بعدها ثابت شده ریشه در داده های جعلی داشته اند. کسانی که پیشرفت های این رشته را دنیال می کنند غالباً با شارلاتان های بسیار - که برخی از آن ها بسیار زیرک هم بوده اند - روبه رو شده اند و به همین دلیل حق دارند درباره ی ادعاهای تازه شک کنند.» (۵)

فریب کارانی که به احضار روح مشغول اند و سر مردمان ساده و عامی را شیره می مالند و جیب شان را خالی می کنند، حتا جزو فرا روان شناسان هم به حساب نمی آیند. در همه ی نقاط دنیا، به ویژه در اروپا و آمریکا افراد شعبده بازی هستند که خوب بلدند از آب گل آلود (و نادانی مردم) ماهی بگیرند و به نوا و نامی برسند. کتاب شماره ۸۹ و ۹۰ ادبیات و فلسفه را ورق می زنیم و در فهرست کتاب های منتشر شده در زمینه ی فلسفه و روان شناسی در دی ماه ۱۳۸۳ دقیق می شویم.

• تعبیر فال قهوه . سوفیا: مترجم: محمد حسن نعیمی.....
• دیدار با ارواح. کارل هارل: مترجم: بیژن اسدی.
• روان کلوی خورشیدی: ستاره متولد تیر، کیمیای بهبود روابط، گردآورنده: گروه دیگرام. مترجم: ریحانه فرهنگی.
و ده ها کتاب طالع بینی دیگر برای ماه های دیگر.
• تعبیر خواب: براساس تعبیر خواب های ابن سیرین.....
و ده ها کتاب تعبیر خواب دیگر. دیوان و فال نامه ی حافظ شیرازی..... ناشر و فال گوی دیگر.

آیا این کتاب ها علمی هستند یا ضد علم؟ آیا مطالب این ها واقعاً دانش روان شناسی است یا شبه روان شناسی؟ چرا به نام دانش، روان که علم شگفتی ها است صدها کتاب خرافی چاپ و منتشر می شود؟ چه دست های آلوده ای در این کار نقش دارند؟ آیا کتاب «تفسیر خواب» زیگموند فروید و یا کتاب «تفسیر خواب» آقای یونگ را با تعبیر خواب ابن سیرین ها می توان در یک ردیف قرار داد؟

جریان علم نمای دیگری بخشی از بازار کتاب ایران را انباشته است. این جریان ها در پوشش روان شناسی، به نام عشق و محبت و با سودجویی از سرچشمه ی زلال عرفان شرق و آموزه های تبلیغ مسیحیت به تبلیغ افکار غیر علمی خود می پردازند. آموزش های آنان از آموزش های چهل شاخه ی روان شناسی علمی بسیار دورتر است. هر دین داری حق تبلیغ دین خود را دارد، هر مسیحی مومنی هم حق تبلیغ مسیحیت را دارد ولی چرا به نام روان شناسی و با دامن زدن به باورهای خرافی و طرح ادعاهای بی اساس تبلیغ می شود.

ما از آموزش های دو تن از بزرگان این رشته، مختصری گفت و گو می کنیم. در آغاز اجازه بدهید با برخی از آموزش های خرافی خانم لوییز هی آشنا شویم:

« همه ی امراض از عدم بخشایش ناشی می شود. » (۶)

« گوش درد نشانه ی خشم از شنیدن چیزی است. » (۷)

« گلو درد همواره نشانه ی خشم است » (۸)

علت سرطان در چیست؟

« ناشی از نفرت دراز مدت است که آن قدر آن را در خود نگاه می داریم تا

سرانجام تن را بخورد. » (۹)

علت بوی بد دهان در کجاست؟

« غیبت و بدگوئی، اندیشه ی فاسد، گرایش های پوسیده » (۱۰)

آب مروراید چه گونه به وجود می آید؟

« ترس از آینده ای ناشادمان و تاریک » (۱۱)

چرا تن شما می خارد؟

« احساس گناه برای گذشته » (۱۲)

چرا شما گرفتار آرتروز می شوید؟

« آرتروز مرضی ناشی از الگوی انتقاد بی وقفه است. نخست انتقاد از خود و

بعد انتقاد از دیگران. » (۱۳)

و در پایان:

« دریافته ایم که عفو و بخشایش و دست کشیدن از نفرت می تواند حتا

سرطان را علاج کند. » (۱۴)

این آموزش های صدر در صد علمی !! تنها جزیی از سی صفحه نسخه ی پیچیده شده برای نشان دادن ریشه ی بیماری ها و روش مداوای آن ها است. حتماً از نظر خانم لوییز هی ده ها هزار پژوهش گر و پزشک، همه ول معطل اند!

کتاب «شفای زندگی» این بانو از چاپ بیست و چندم هم گذشته است. نمی دانیم گریه کنیم یا بخندیم یا سکوت کنیم. اگر چاپ دو جلد کتاب زمینه ی روان شناسی هیلگارد به چاپ بیستم ترسیده بود، حتماً می نشستیم و زار زار به حال خودم و مردم کشورم گریه می کردم!

آیا از نظر این خانم محترم همه ی این خرافه ها به این دلیل است که بگویند «محبت، درمان معجزه آسای هر درد است.» (۱۵)
به راستی او در پوشش تبلیغ عشق، عفو و گذشت و محبت چه مروراید های غلطانی که به دامن زدن به باورهای خرافی پرستان ما نمی ریزد!

به اظهار نظر بسیار اندیش مندانه ی او توجه کنید:

«فرد صد در صد مسؤول همه ی چیزهایی است که در زندگی اش پیش می آید.» (۱۶) کسی در آمریکا نبوده است که از او بپرسد: پس نقش زن ها و علم زنتیک در کجا است؟ پس نقش هوش و هوش هیجانی در کجا است؟ پس نقش نابه سامانی های خانواده گی، حوادث فاجعه بار طبیعی خارج از توان انسان، نظام های به شدت طبقاتی، استبدادی و عقب مانده را در کجا باید جست؟ ستم های چپاول گران و زورگویان تاریخ دوره استعماری به گردن کیست؟ کمی هم از هم گروه و دوست خانم لوییز هی، یعنی آقای دکتر وین دایر گفت و گو کنیم و چند نکته ای هم از او بیاموزیم:

«پس از پایان تحقیقاتم به این نتیجه رسیدم که هرگاه یک بیمار سرطانی با استفاده از قوه ی تخیل، خود را عضوی از جامعه ی بشری احساس کند و از صمیم قلب برای هم نوعان خود سلامت و سعادت بخواهد، یاخته های بدن او نسبت به این اندیشه مهر آمیز واکنش نشان خواهد داد و تغییرات به وجود آمده در اجزای ملکول ها بر تومورهای سرطانی غلبه می کنند و بهبودی از راه می رسد.» (۱۷)

می بینید که آقای وین دایر کاملاً با خانم لوییز هی هم نظر است. آقای وین دایر علاوه بر تبلیغ مسیحیت در پوشش روان شناسی فیلسوف هم هستند: «هیچ چیز خارج از وجود شما نیست.» (۱۸) پس از گذشت بیش از ده هزار سال از تاریخ تمدن و گسترش شگفت آور علوم طبیعی و فیزیکی، آقای دکتر به ایده آلیسم مطلق رسیده اند! باید بیش تر با باورهایش آشنا شویم:

«در برابر هیچ چیز و هیچ کس صف آرایی نکنید.» (۱۹)

«مهم این است که من مسؤول همه ی اتفاقاتی هستم که در زندگی ام رخ داده است.» (۲۰)

«همه چیز برای شما برنامه ریزی شده و مقرر گردیده. در جهت تقدیر و حرکت جهان با تسلیم و رضا پیش روید و در مقابل آن نایستید.» (۲۱)

«در زندگی شما هیچ کمبودی وجود ندارد، چه گونه در یک جهان کامل و بدون عیب و نقص کمبود وجود داشته باشد؟» (۲۲)

«تندرستی و بیماری نیز مانند هر چیز دیگر زاییده گرایش های ذهنی ما است.» (۲۳)

بنابراین هر چه از «باکتری»، «میکروب»، «ویروس» های ریز و موزی می گویند، خواب و خیالی بیش نیست. چرا برای این که هیچ چیز (مانند میکروب) خارج از وجود ما نیست.

«باید خود را فراموش کنید و تقاضا و انتظار چیزی را نداشته باشید و صرفاً زندگی کنید.» (۲۴)

زیرنویس

Parapsychology - ۱

Telepathy - ۲

Clairvoyance - ۳

Precognition - ۴

۵- همان، ص ۴۲۲ با ترجمه ی مهدی محی الدین

۶- «شفا ی زندگی»، لوییز هی، ترجمه: گیتی خوش دل، تهران: نشر پیکان،

چاپ چهاردهم ۱۳۷۹، ص ۳۰

۷- همان، ص ۲۰۹

۸- همان، ص ۲۱۲

۹- همان، ص ۲۳۲

۱۰- همان، ص ۲۵۰

۱۱- همان، ص ۲۶۳

۱۲- همان، ص

۱۳- همان، ص ۲۲۰

۱۴- همان، ص ۲۸

۱۵- همان، ص ۴۲

۱۶- همان، ص ۱۹

۱۷- «عظمت خود را دریابید»، وین دایر ترجمه: محمد رضا آل یاسین،

تهران: انتشارات هامون، چاپ پانزدهم، ص ۹

۱۸- «معمار سرنوشت خود باشید»، وین دایر، ترجمه: محمدرضا آل

یاسین، ص ۱۱۸

۱۹- همان، ص ۱۱۲

۲۰- «خود حقیقی شما، جست و جوی حقیقت»، وین دایر، ترجمه: علی

رضا شاملو، تهران: انتشارات رامانیوش، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۳۹

۲۱- «درمان با عرفان»، وین دایر، جمال هاشمی، تهران: شرکت سهامی

انتشار، چاپ هفتم، ص ۳۰۸

۲۲- همان، ص ۱۵۷

۲۳- «سر رشته زندگی خود را در دست بگیرید»، وین دایر، ترجمه:

محمدرضا آل یاسین، تهران: انتشارات هامون، چاپ سوم، ص ۳

۲۴- «وجود متعالی انسان» وین دایر، ترجمه: محمدرضا آل یاسین،

تهران: انتشارات هامون، چاپ دوم ۱۳۸۲، ص ۴۲

ادامه سرمقاله از صفحه ۴

۱۰- خاتمی با جرأت و شهامت یک دولت مرد مداراگر، حاکمیت پیچیده و تو در توی جمهوری اسلامی و مراکز متعدد قدرت را وادار کرد تا آن چه را که در قانون اساسی و در اصل ۲۴ در مورد مطبوعات، اصل ۲۶ در مورد احزاب و اصل ۲۷ در مورد تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها و اصل ۱۰۰ در مورد تشکیل شوراهای آمده است مورد توجه قرار دهند و بخش بزرگی از نماینده گان مجلس در اجرای قوانینی که هرگز تا آن زمان جدی گرفته نشده بودند، در متن تصویب دوباره همان قوانینی قرار گرفتند که باید به اجرا درآیند. اما آیا ما به این مرد فرصت انجام خواسته هایش را دادیم؟

۱۱- خاتمی در کدام دانش گاه، سالن سخن رانی و یا اجتماعی سخن رانی کرد و پس از پایان سخن رانی اش به دستور وی و یا سایر نیروهای امنیتی، مخالفان و معترضان اش دستگیر و زندانی شدند؟ فراموش نکنیم خاتمی بارها و آشکارا از طرف مخالفان اش مورد شدیدترین بی حرمتی ها، تهمت ها و انتقادات بسیار تند و رادیکالی قرار گرفته بود و بسیاری دیگر از سدهای مصنوعی دیگری که جبهه ی مقابل اصلاحات برای عدم موفقیت خاتمی در پیاده شدن آن انتظارات و مطالبات مدنی حداقلی به اجرا درآورده بود، هرگز وی را وادار به عکس العمل خشونت آمیز نکرد.

این ها واقعیت های هشت سال مدیریت دولت مردی است که وام دار هیچ حزب و گروه خاصی نشد و از آغاز همان شیوه ای را پیش گرفت که تا پایان کار رفت اما نه با جنگ و گریز و زد و خورد های خیابانی و کشاندن جامعه به دلهره، اضطراب و نگرانی همانند کشورهایی مانند پاکستان، افغانستان و عراق. او در آن ۸ سال به درستی حرکت کرد و درست در نقطه ی مقابل آن دسته از مخالفان حرفه ای و دشمنان مقطعی اش که هیچ فکری به جز سنگ اندازی در کار دولت، ایجاد درگیری های داخلی و آماده نمودن زمینه های زد و خورد های خیابانی، برای نشان دادن نبود امنیت اجتماعی، در سر نمی پروراندند. به سختی ایستاد. خاتمی هیچ وقت در سر نداشت و در سر ندارد با زور، تشنج و تنش های اجتماعی کارش را پیش ببرد.

* * * * *

بر اما این سوی سکه، چنان چه فرض بر این باشد که نام خاتمی به عنوان برنده انتخابات و رییس دولت دهم از صندوق های رای گیری بیرون بیاید خود و دولت اش از فردای انتخاب شدن با چالش هایی رو به رو خواهند بود که مهم ترین آن ها می توانند این ها باشند:

شماره ۷۵ - فصلنامه ۸ - زمستان ۸۸ - ۷۲



۱- ناسازگاری، مخالفت، ضدیت و دشمنی همان نیروهایی که در دوره هشت ساله ی ریاست جمهوری اش نگذاشتند دولت اش در آرامش به سر برد و برای حل و فصل واقعی مسایل مملکتی چاره جویی کند. طلایه داران همان مخالفان حرفه ای از ماه ها پیش که خبری از آمدن و نیامدن وی نبود آغاز کرده اند و امروز که خاتمی وارد جریان مبارزات انتخاباتی شده است، و هنوز هیچ خبری از برگزیده شدنش نیست سیل رفتارهای ناسازگار، تهمت های ناروا و بسیاری از حرف و حدیث های نادرست دیگر از جانب مخالفان حرفه ای اش آغاز شده است. در این بین طرف داران بریده از آقای خاتمی هم کم نیستند.

۲- چنان چه دولت آقای خاتمی در دوره پیش رو با ضدیت، فشار از بالا و مخالفت های رادیکال تر از چهار سال پیش رو به رو شد و نتوانست آن چه را که در باور دارد پیاده کند، با چه ره آوردی با آن هایی که او را انتخاب کرده اند رو به رو خواهد شد و پاسخ ایشان در این مرتبه چه خواهد بود؟

۳- گذشته از بحران های روزافزون اقتصادی جهان که تأثیری مضاعف و چندین برابر بر اقتصادهای متکی به نفت کشورهایمانند ایران دارد و متأسفانه با نفت بشکه ای ۱۴۰ دلار هیچ گونه جهش اقتصادی در تشکیلات اداری، اجرایی و ساختاری مملکت ما ایجاد نشد و تورم افسار گسیخته ی ۶-۷ درصدی دوره آقای خاتمی به ۲۷ درصدی در روزهای پایانی سال ۸۷ رسیده است و با خالی بودن صندوق ارزی، موج روز افزون بی کاری ها، گرانی افسار گسیخته، فقر عمومی، رسیدن حداقل دستمزد خط فقر به ماهیانه ۷۰۰/۰۰۰ تومان و دریافتی حداقل حقوق ماهیانه ی بازنشسته گان تأمین اجتماعی ۲۵۰/۰۰۰ تومان گسترش فاصله ی فقر و ثروت و غنی تر شدن ثروت مندان و فقیرتر شدن فقیران، زنگ های خطری است در دست بهانه جویان جبهه ی اصول گرایان مخالف خاتمی و هم چنین طرف دارانش.

۴- اگر چه دولت خاتمی میراث خوار نابه سامانی ها و بحران های اقتصادی دوره قبل از خود خواهد بود، کم تر شهروندی آن قدر منصف است که مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود و آن چه که می بیند را به گردن دولت قبلی بیندازد. بی گمان اگر به آن چه که در حال حاضر وجود دارد، به مشکلات اقتصادی، فقر، بی کاری، تعطیلی صنایع، نفت بشکه ای ۴۰ دلار، زندانیان سیاسی، تعطیلی روزنامه ها، وضعیت نشر کتاب، مطالبات دانش جویان، آموزگاران، کارگران، وضعیت کشاورزان و خشک سالی سال های اخیر، موضوع انرژی هسته ای ایران، چالش های منطقه ای، قطع نامه های صادر شده از سوی سازمان ملل علیه ایران، روابط ایران و آمریکا و ده ها موضوع بسیار مهم دیگر نیز افزوده شوند، راه خاتمی برای رسیدن به دست آوردهای مثبت یک دولت دموکراتیک بسیار سخت خواهد بود.

اما از این سو، اگر دنبال ایده آل های مان می گردیم و یا در پی قهرمان سازی هستیم، هم دوره ایده آلیسم سپری شده است و هم با آمدن آخرین قهرمان «دون کیشوت» دوره قهرمانی پایان پذیرفته است. امروز باید دنبال واقعیت های جهانی بود. چه کسی تا چند سال پیش می اندیشید که روزی فرا خواهد رسید که جنایت کاران و متجاوزان به حقوق بشر و قتل عام کننده گان انسان های بی گناه تسلیم دادگاه های جهانی خواهند شد!! از هر شهر و قبیله ای یا از هر نژاد و تیره ای، هیچ کس را در این جهان زندگی جاودانی نیست. نگاه کنید:

هم مرگ بر جهان شما بگذرد

هم رونق زمان شما بگذرد

این تیزی ستان شما نیز بگذرد

• توضیح : مجله ی فردوسی با نگاهی دگرگونه تر به مسایل سیاسی روز از نقطه نظرهای سیاسی صاحب نظران استقبال می کند.

سو دیر

چون ابر به نوروز رخ لاله بشت
برخیز و به جام باده کن عزم درست
کاین سبزه که امروز تماشاگه توست
فردا همه از خاک تو بر خواهد رستا
(خیام)

در سرزمین ما که گاه سرزمین خورشید می نامیمش و گاه سرزمین اهورایی، سده ها است که مرگ بر زندگی، بر لذت ستیزی بر لذت گزایی چیره شده است. از دل مرده گی و اندوه، کامیاب و سرشار می شویم و گریه و گور را پاس می داریم. عزای ماتم و غم برای مان درون مایه ی عرفانی دارد و نوای محزون ما را به آغوش آرامش می سپارد. ایرانیان نه فقط اندوه گین ترین، که اندوه پرور و اندوه پرست ترین مردمان این گوی گردان اند. خوشی و عیش و طرز و طرب را با ریا و دو رویی، خوار و فرومایه و جلف و سبک می شماریم تا آن جا که هم آغوشی و هم بستری - این زیبا ترین و گیرا ترین آیین و آرایه ی رمانتیزم انسانی و این پر آب و رنگ ترین نشان زیبایی الهی را «خاک تو سری» دانسته و آن را نماد « حیوانیت » و « پرده گی شیطان » می شناسیم. البته به ریا و در ظاهر، و گر نه چه بسیار آن چنان در کردار بدان اصرار و تکرار می جوییم که وابسته و معتمدش شده و جبر و وسواس می یابیم. و شگفت این است که از این واقعیت برهنه و هویدا نیز روی گردان نبوده و نیستیم و بدان غرور و افتخار می ورزیم!

سده ها است در این مرز پر گهر، ماتم و مویه سنتی فراگیر شده و حتا دانش وران و اندیش مندان به این چشم پوشیدن بر زندگی و ستیزه جویی با جلوه های بنیادین زندگی - لذت و عیش و خوشی و شادی - خو گرفته اند.

برای ما ایرانیان به ظاهر، هر زاده شدنی با شادی و ارمغان و مهمانی و سر برش (ختنه) سوران همراه است. اما در شعر و ادب و هنر و فلسفه مان هر زایمان آغاز زندگی آمیخته با درد و دشواری و رنج و عذاب است. سخنی از شادمانه زیستن نبوده و نیست؛ مگر اندکی، از تکفیر گشته و رانده شده ی چون خیام، حافظ، مولانا، ایرج میرزا، صادق هدایت، جمال زاده، فروغ فرخزاد، ارحام صدر اصفهانی، پرویز صیاد و دو نصرت رانده شده سینمای ایران: کریمی و وحدت و مانند اینها!

«به کجا چنین شتابان؟»
گورستان برای مان رامشکده و آرام گاه است، و چه بسیار گورستان - دست کم « تخت پولاد » ما اصفهانی ها - تا نیم سده پیش مان سبزه زار دل گشای سبزه به در نوروزی مان بوده است! شگفت انگیز تر، شافتن شمار فراوانی در هنگام دگرگونی (لحظه ی تحویل) سال نو به این « پایان گاه » است!! ما یگانه ملتی هستیم که تا این اندازه شور مرگ و اشتیاق نابودی داریم و چه فراوان آشکارا بر شتاب و بی درنگ از آغوش سرخ فام زندگی به سوی چنگال سیاه مرگ می تازیم. از گل و برگ و سبزه و شکوفه بدمان نمی آید، هر از گاه به دلمان آن نیز اندکی می نشینیم اما خفتن در دل گل، به زیر خشت و لحد، و درون کفن و کافور را پاس می داریم.

ستایش مرگ مرگیم و ادای زندگی با زندگی بر چهره و قامت استوار می داریم. آیین کفن و دفن مان



رازهای روان شناختی نوروز

دکتر بهنام اوحدی (ایران بد) •